

پنجاه و ششمین جلسه

شرح تفسیر صحیفہ سجادیہ

حجت الاسلام والمسلمین استاد حاج علی اکبری



دعای بیست و چهارم

۱۳۹۳ / ۰۵ / ۲۰



فهرست

- شش آیه توحیدی
- ترسیم حقوق والدین در صحیفه سجادیه
- دو رویکرد متفاوت قرآن کریم به بحث والدین
- کاهش حیا در جامعه بر اثر نفوذ فرهنگ غرب
- ضرورت برجسته سازی حقوق والدین در جامعه
- تأکید قرآن بر رعایت حقوق والدین
- پدر و مادر الهی
- اگر فاطمه نبود
- عنوان این دعا اشتباه است
- هر انسانی دو پدر و مادر دارد
- احسان به والدین در قرآن کریم



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

موضوع سخن بیست و چهارمین دعا از صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجّادیه است که دعای امام سجّاد (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) برای پدر و مادرشان است. عنوان دعا این است: «كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ» یعنی وقتی که حضرت (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ) برای پدر و مادر خودشان دعا می‌کردند. با این حال، ما هم می‌توانیم این دعا را برای پدر و مادر خود بخوانیم.

شش آیه توحیدی

شش آیه آغازین سوره‌ی مبارکه‌ی حدید، از نظر ظرفیت‌های توحیدی و مضامین بلند و رفیع و عالی، در وزن سوره‌ی مبارکه‌ی توحید و آیات آخر سوره‌ی مبارکه‌ی حشر است. از اولیاء خدا توصیه‌های بسیار عجیبی درباره‌ی تلاوت، تأمل و تدبّر این آیات وارد شده است. می‌شود گفت که این شش آیه، منظومه‌ای از اسماء الحسنی را در خودش



جای داده و نزدیک به اسم اعظم است. به نظر می‌رسد قلّه‌اش هم همین آیه است: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»^۱ او است اوّل و آخر و ظاهر و باطن، و او به هر چیزی دانا است». ان‌شاءالله که همه ما حضّ وافر توحیدی از این آیات نورانی داشته باشیم و آنها را تلاوت کنیم، حفظ کنیم، با آنها انس بگیریم و به تفسیرش مراجعه کنیم. به این ترتیب، یک خطّ اُنس و مراجعه و ارتباط با عالی‌ترین معارف قرآن برای خود تعریف کرده‌ایم. معارف قرآنی سطح‌بندی دارند و این بخشی که در اوایل سوره‌ی مبارکه‌ی حدید قرار دارد، عالی‌ترین سطح معارف قرآنی است.

ترسیم حقوق والدین در صحیفه سجّادیه

دعای بیست و چهارم صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجّادیه، دعای فوق‌العاده‌ای است. حقیقتاً شوق‌انگیز، تکان‌دهنده، بیدارکننده و غفلت‌زدا است. از بخشی از اصلی‌ترین حوزه‌های ارتباطی دائمی، تکوینی و بنیادین ما که در سرنوشت دنیا و آخرت ما تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد، پرده‌برداری می‌کند. این حوزه از نظر تأثیر – غیر از ارتباط با ذات اقدس ربوبی – کاملاً متفاوت از هر چیز دیگری است. همه‌ی وجوه شخصیتی، دنیوی و آخرتی ما، به



این موضوع بسیار فرازمند و جدی و مهمی بستگی دارد که در این دعای نورانی مطرح شده؛ یعنی پدر و مادر. فهم این ارتباط، شناخت ظاهر، باطن، اسرار و ابعاد آن، فهم تأثیر شگفت‌انگیز و ممتاز و بی‌بدیل این خطّ تماس و سهمی که در برقراری ارتباط ما با حضرت حق و بهره‌مندی ما از رحمت و برکت الهی در دنیا و بهشت الهی در آخرت دارد، بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است. این دعای نورانی مشتمل بر موضوعی حیاتی و ابعاد گوناگون آن است که متأسفانه از بخش‌هایی است که از آن غفلت می‌شود.

مطلب اول بیان کمی متفاوت درباره‌ی این موضوع اساسی و کلیدی است و ضرورت توجه بیشتر به آن و مراجعه به قرآن کریم که دعای بیست و چهارم در حقیقت شرح و تفسیر عرشی آیاتی است که تلاوت خواهد شد. بنابراین ابتدا به آیات توجه پیدا می‌کنیم، سپس به این تفسیر آسمانی و عرشی آیات که در مقام دعا و به بیان حضرت سید السّاجدین (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) است، مراجعه می‌کنیم. ان شاء الله خواهید دید که حرف‌هایی که حقیقتاً انسان نشنیده، در این مسئله‌ی مهم و ذیل این آیات بسیار مبارک و ارجمند مطرح شده است.

این گزارش و این سیر در این دعای نورانی، در بازخوانی و طراحی مجدد ارتباط ما با پدر و مادرهایمان در هر سطحی که بوده، حتی اگر در عالی‌ترین سطح هم بوده، تأثیر



شگفتی دارد. این دعا را که بخوانیم، متوجه خواهیم شد که باید دوباره شروع کرد و این ارتباط را بازسازی و به‌سازی کرد. و چه حسرت عظمایی است برای کسانی که پدر و مادرشان را از دست داده‌اند و چه یادآوری بزرگی است برای جبران حقوق آنان بر اساس ابداع تماس‌هایی در عالم برزخ.

دو رویکرد متفاوت قرآن کریم به بحث والدین

قرآن کریم در پرداختن به موضوع پدر و مادر و فرزند، دو روش کاملاً متفاوت را در پیش گرفته است. با مراجعه به قرآن کریم، می‌بینیم که در موضوع پدر و مادر توصیه‌هایش پیش‌برنده، مهیج، تشویق‌کننده، تقویت‌کننده، افق‌گشا و راهبری است. اما در سمت فرزند انقباض، ترمزدهنده و نگهدارنده است و البته با یادآوری تأثیر کلیدی و مهمی که پدر و مادر در سرنوشت فرزند دارند. یعنی در خطّ تربیت، یادآور اقدامات سرنوشت‌ساز است، اما در خطّ تماس و ارتباط، بازدارنده، کنترل‌کننده و ترمزدهنده است. میزان این آیات و تعداد کمی و کیفی‌اش نیز اصلاً با همدیگر قابل مقایسه نیست. نکته این دو روش کاملاً متفاوت کجا است؟

نکته‌ی مهم این است که ما انسان‌ها به صورت طبیعی و تکوینی با اینکه همه‌چیزمان را از پدر و مادر می‌گیریم، در فرآیند رشد و قرار گرفتن در مسیر استقلال شخصیتی و



هویتی، دچار یک نوع ناشکری و غفلت طبیعی هستیم نسبت به حقوق و وظایفی که در قبال پدر و مادر داریم. این یک واقعیت است. سرش هم این است که این واحد از پدر و مادر به وجود می‌آید، متولد می‌شود، بعد، مراحل از انضمام (از شیر باز شدن شیرخواره) و انفصال را طی می‌کند و به این ترتیب از نقطه‌ی نخست فاصله می‌گیرد که شاید مثلاً در مرحله‌ی اول، از شیر گرفته شدن یکی از جلوه‌های خاص بعد از ولادت باشد. همین‌طور که فاصله می‌گیرد، در سنین نوجوانی یک حس درونی به او می‌گوید باید راه مستقلی را در پیش بگیری. آن احساس نیاز به تشخیص و استقلال و هویت، سبب می‌شود که فرزند به عنوان یک نسل جدیدی به صورت طبیعی به موضع‌گیری در برابر پدر و مادر به عنوان نسل قبلی قرار بگیرد و تفاوتی را بین خودش و آنها تعریف کند و فاصله‌ای را بین خودش و آنها قرار بدهد. ندایی از درون، انسان را به این مسئله دعوت می‌کند. اگر این مسئله با یک سرمایه‌گذاری تربیتی بسیار جدی همراه نشود، نتیجه‌اش عبارت خواهد بود از ناشکری و ناسپاسی و غفلت نسبت به آن حقوق عظیم و نسبت به تکالیف و وظایف بسیار سنگینی که بر عهده‌ی انسان در ارتباط با پدر و مادرش است.



اگر به این مسئله، غفلت پدر و مادر را در مسیر تربیت اضافه کنیم که نتوانسته باشند این مسئله را خوب توجه کنند، و به این مسئله گفتمان‌های تربیتی غیر الهی رایج را اضافه کنیم، نتیجه‌اش چه می‌شود؟ یعنی از آن سو غفلت خود پدر و مادر در مسیر تربیت، از اینکه بتواند این نقطه‌ی اتصال را با خودش تقویت و اشراب کند، و از این طرف گفتمان‌های تربیتی جاری و غالب در جامعه که متأسفانه در این موضوع ضدارزشی عمل می‌کنند، اینها را بگذارید کنار هم، می‌بینید که چه خیر است. بنابراین ما آدم‌ها همیشه نیازمند جدی‌ترین یادآوری‌ها و تذکرات در ارتباط با پدر و مادرمان هستیم. چنانچه در اینجا خطبی صورت گیرد، به طور طبیعی تولید ناشکری و ناسپاسی و غفلت می‌کند. بنابراین انسان باید دائم در این مسئله مورد اذکار و تنبیه و اشاره و توجه و بیداری و ذکر قرار بگیرد.

مناسبات جاری و حاکم در روابط بچه‌ها با پدر و مادرها در مسائل جدید، یک نوع پرده‌داری، کاهش حیا و حشمت را رقم زده است. حشمت، در ملاحظات تربیتی، رودرپایستی‌های پیش‌برنده است که ذیل حیا تعریف می‌شود. وقتی حشمت می‌شکند، همه چیز به هم می‌ریزد و آشفتگی عجیب و غریبی پیش می‌آید. وقتی که مثلاً یک پسر یا دختر پانزده شانزده ساله، نزد پدر و مادرش پایش را دراز می‌کند، حشمت و پرده



حیا دریده می‌شود و این مسئله از کجا سر درمی‌آورد، خدا می‌داند. یا وقتی نوجوان یا جوان ما به خودش اجازه می‌دهد تندتند و خیره‌خیره به پدرش نگاه کند، یا به خودش اجازه می‌دهد صدایش را جلوی مادرش بلند کند، حشمت والدین از بین می‌رود.

کاهش حیا در جامعه بر اثر نفوذ فرهنگ غرب

برای بررسی علل این کاهش عجیب و غریب حیا در مناسبات امروز، باید تحلیل روان‌شناختی، روانشناسی اجتماعی و تا حدودی جامعه‌شناختی مسئله مدنظر قرار بگیرد. این تحلیل عمدتاً به گفتمان تربیتی حاکم بر جهان جدید و مناسباتش ناظر می‌شود که در این گفتمان تکیه بر مسئله‌ی حق است تا تکلیف. این خودش بایی است که باید جداگانه تحلیل بشود. عصر ما عصر دمیدن در بوق حقوق و کاهش دادن احساس وظیفه و تکلیف و مسئولیت است. از این طرف وظیفه کاهش می‌یابد، از سوی دیگر مسئله‌ی حقوق‌گرایی افزایش پیدا می‌کند. البته اشتباه نشود. اگر حقوق دیگران باشد که چیز خیلی خوبی است و همان مسئولیت و تکلیف می‌شود. انسان امروزی با نگاه کاهنده به محور تکالیف و رسالت‌ها، یعنی حقوقی که دیگران بر عهده ما دارند و باید دیده بشود، توجه می‌کند؛ اما از این طرف عصر دمیدن در بوق حقوق است: حق شهروندی،



حقّ خانواده، حقّ فرزند، یعنی حقّ من بر عهده‌ی پدر و مادرم. انسان مدرن یک موجود طلبکار است که ویژگی، خصلت بسیار وحشتناکی است.

کاش این جمله‌ای که می‌گویم دست‌کم گرفته نشود، زیرا محصول مطالعات، بررسی و مشاهده‌های فراوان است. این آشفتگی زمانه‌ی ما، محصول چنین پدیده‌ی خطرناکی است که چنانچه بررسی شود، ریشه‌های آن را در مکاتب جدید مادّی می‌توان دید. این مکاتب با نگاه‌های اومانستی خود، تأکیدات عجیب و غریبی بر فردگرایی و ایندیویجوآلیسم^۱ دارند. این «من» وقتی فربه می‌شود، می‌خواهد همه‌چیز را به نفع خودش صادره کند. این می‌شود دنیای جدید ما. از درونش هم سازمان ملل و دستگاه‌های بین‌المللی درمی‌آید که جلوی چشم‌شان این همه جنایت‌ها اتفاق می‌افتد و کک کسی هم نمی‌گزد. جمله «به من چه»، از اینجاها نشئت می‌گیرد و یک پرده‌پوشی منافقانه‌ای است که خیلی خطرناک است. آن چیزی که در مکتب جدید ترویج می‌شود، حقوق من است نه حقوق بشر. با حقّ من پوشش درست کرده و اسمش را حقوق بشر گذاشته‌اند.

اگر بخواهیم از منظر اجتماعی مسئله کاهش حیا و حشمت را بررسی کنیم، به این بخش باید توجه شود. معمولاً ما این نوع مباحثات را از نظر مباحثات رشته‌های تخصصی، در حوزه‌ی روانشناسی اجتماعی می‌بریم که تقریباً رشته‌ای میانه است؛ یعنی یک پایش در روانشناسی و پای دیگرش در جامعه‌شناسی است. روانشناسی اجتماعی، وسط یا بین الاجتماع این دو است.

ضرورت برجسته‌سازی حقوق والدین در جامعه

انسان به شکل طبیعی بر اساس ملاحظات روانشناختی، در مقام غفلت و پشت پا زدن و زیر پا گذاشتن حقوق پدر و مادر است. به این مسئله ضمیمه بشود غفلت خود پدر و مادر در چرخه‌ی تربیت. اگر به این مسئله گفتمان‌های غالب و جاری - که درباره‌ی آن صحبت کردیم - ضمیمه شود، نتیجه این می‌شود که ما دچار آشفتگی عجیب و غریبی در فضا‌های خانوادگی هستیم که نتیجه‌ی آن، گسست‌های تربیتی و رخت بر بستن برکت از زندگی انسان‌ها است. این غفلت برکت را می‌برد؛ یعنی به هر اندازه‌ای که انسان از مبادی و وسائط فیض غفلت می‌کند، با دست خودش در رحمت و برکت الهی را به روی



خودش می‌بندد و چنین مصیبتی را به سر خودش می‌آورد. تحلیل عرفانی‌اش بعداً در ضمن شرح صحیفه گفته خواهد شد. این هم داستانی است که با آن روبه‌رو هستیم.

ما به هر شکل ممکن باید بحث پدر و مادر را برجسته‌سازی کنیم. درباره‌اش بگوییم، بنویسیم، فیلم بسازیم، تذکر بدهیم، یادآوری کنیم و برای اینکه این مسئله واضح و ابعادش روشن شود، هر کاری که بشود کرد، باید انجام داد. این چیزی است که برکت می‌آورد، رحمت می‌آورد، توسعه می‌آورد، محبت می‌آورد و چیز عادی نیست.

همان‌طور که گفتیم، نگاه قرآن کریم سمت فرزند، دائماً ترمز، یادآوری، هشدار می‌دهد. اما اینجا می‌گوید برو و بزنی به خط، هر کاری که می‌توانی انجام بده. آنجا در بحث تربیت به شما وظایف‌تان را یادآوری می‌کند؛ ولی در محبت مدام به شما ترمز می‌دهد. سرش واضح است؛ پدر و مادر خود را برای فرزندشان می‌کشند. پدر و مادر بدون نیاز به توصیه، بر اساس مبانی تکوینی که در وجودشان است، برای فرزندشان حاضر به انجام هر کاری هستند. لذا باید به آنها گفته شود که در این زمینه مواظب و مراقب باشند. خدای متعال نیز در قرآن می‌گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حقیقت برخی از همسران شما و



فرزندان شما دشمن شمایند، از آنان بر حذر باشید». حواستان را جمع کنید که با ریسمان اینها به جهنم نروید. انسان با ریسمان پدر و مادر قطعاً به بهشت می رود؛ حتی اگر پدر و مادر فاجر و فاسق و مشرک باشند، چنین هنری دارند؛ اما اگر انسان غفلت کند، با ریسمان فرزند به آسانی به قعر جهنم می رود که نمونه های آن فراوان است. در طول تاریخ آدم هایی بسیار بزرگ به حسب تأثیرهای اجتماعی و سیاسی، در موضع ارتباط با فرزند، بسیار کوچک شدند و از این رهگذر، هم خودشان آسیب دیدند و هم آسیب زدند. انسان باید به خدای متعال پناه ببرد. این مسئله عادی نیست؛ لذا قرآن کریم مدام می گوید: مواظب باشید، مراقب باشید. مثلاً در این آیه چنین هشدار می دهد: «لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» [زنهار] اموال شما و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نگردانند». همه اش هشدار است که مواظب باشید بچه ها و امواتان شما را از خدای متعال غافل نکند. در محور فرزند این طوری است.

تأکید قرآن بر رعایت حقوق والدین

بعد از قضیه ی توحید و اصول مبانی متصل به حقیقت توحید، از وسائط و نبوت و ولایت الهی، به هیچ چیزی به اندازه ی مسئله ی پدر و مادر پرداخته و اهمیت داده نشده است.



چیز عجیبی است. این آیات را که کنار هم می‌گذاریم، فوق‌العاده تکان‌دهنده است. سبک، سیاق و ادبیاتی که قرآن کریم در این زمینه انتخاب کرده، خیلی فوق‌العادگی دارد و بسیار جالب است. قرآن به توصیه‌های کلی بسنده نکرده، بلکه ورود جزئی پیدا کرده و با دقت و ظرافت، نمونه‌های بسیار کاربردی را در این محور به ما یادآوری کرده است. اگر ضمیمه کنید به آنچه که در قرآن کریم است، تفسیر نظری و بیانی‌اش که در کلمات اولیاء خدا آمده و تفسیر عینی‌اش که در سیره آنان جاری شده، عظمت و اهمیت این بحث برایتان روشن‌تر خواهد شد.

به نظر من رفیع‌ترین کلمات اولیای الهی در این باره، دعای بیست و چهارم صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجّادیه است که حقیقتاً یک منشور عالی ارتباط با پدر و مادر است. در سایر کلماتی که از اولیاء خدا نقل شده ما نظیر آن را نداریم. خیلی رفیع است، فوق‌العاده است، بسیار تکان‌دهنده است. خواهش می‌کنم دوستان از کنار این مسئله رد نشوند.

امام سجّاد (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) وسط این دعا، آنجایی که صلوات می‌فرستند، به پدر و مادر خودشان توجهی هم پیدا می‌کنند. در عنوان دعا آمده است: «لِأَبَوَيْهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ» شاید برای برخی این شبهه پیش آید که با توجه به عنوان دعا و جمله‌ای که حضرت در وسط آن مطرح می‌کنند، حضرت اینها را راجع به پدر و مادر خودشان



گفته‌اند؛ یعنی این دعا در افق ارتباطی اولیاء خدا در مقام پدر و فرزندی مطرح شده و ما از این دعا بهره‌ای نداریم. این اشتباه را نکنید. این دعا منشور بسیار روشنی است که از متن معارف دینی و معارف قویم قرآنی برای ترسیم بهترین روش ارتباط فرزند با پدر و مادر برخاسته است؛ بنابراین این دعا برای همه است. البتّه امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) در صدرش «لِأَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ» آمده که مال همان کسی است که صحیفه را تنظیم کرده؛ چون می‌خواسته بگوید: «أَبُوِيهِ»، نگفته مثلاً «وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِوَالِدِيهِ» مطلق هم نگفته «لِلْوَالِدِي»، زیرا دعا به‌گونه‌ای است که حضرت همه را به خود منسوب می‌کند؛ لذا ح ۲ حضرت فرمودند: «لِوَالِدِيهِ»، این اشکال در بعضی از دیگر عناوین صحیفه نیز وجود دارد. مثلاً در جاهایی حضرت کاملاً دعای آموزشی به دست پیروانشان می‌دهند و آن دعا هیچ نسبتی با شأن امام (عَلَيْهِ السَّلَام) ندارد. آن کسی که غافلانه این دعاها را نوشته، آن را هم به خود حضرت نسبت داده که اصلاً نه با مقام عصمت، نه با مقامات حضرت هیچ نسبتی ندارد. پس این اشتباهات در عناوین صحیفه وجود دارد.

پدر و مادر الهی

همان‌طور که در جلسات قبل توضیح دادیم، نقش و سهم صلوات در متن ادعیه صحیفه مبارکه، نقش الگوبخش، پیش‌برنده، حمایت‌کننده، شفاعتی، شوق‌انگیز و



امیدبخش است و نقشی است که توجّه به ولایت الهی دارد. در اینجا نیز حضرت در ضمن دعای خود صلوات را می‌آورند؛ منتها اشاره می‌کنند به حقّ ویژه‌ای که اولیاء کامل (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُمْ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) نسبت به سایر خلق دارند که خیلی جالب است. یعنی وسط جریان والدین، امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ) باب جدیدی را پیش چشم شما باز می‌کنند و آن عبارت است از پدر و مادر یا به اصطلاح «أَبَوْنِي» که سَمَتِشان، سَمَتِ عام و شامل و کامل نسبت به همه‌ی پیروان، ارادتمندان و دوستدارانشان است. همان سمتی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره‌اش فرمود: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ من و علی پدران این امت هستیم».

امام (علیه السلام) ذهن شما را وسط مسئله حقوق والدین، به سمت حقوق ابوین الهی سوق می‌دهد تا آنهایی که از این جهت غفلت دارند، تنبّهی پیدا کنند که پدر حقیقی آنها پیامبر اکرم و علی بن ابی طالب (عَلَيْهِمَا الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ) و مادر حقیقی آنها وجود اقدس حضرت صدیق‌کبری (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ) است. حضرت می‌فرماید: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ من و علی پدران این امت هستیم». از این روایت معلوم می‌شود که مصداق اعظم مادر امتّ چه کسی است. این بحث جداگانه‌ای است که البتّه پیامبر اکرم

(صَلَاةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ) خودشان مسئله را یک قدم بالاتر هم بردند. تعبیر واقعاً عجیب و نغز اُمِّ آبیها،^۱ حضرت زهرا (سلام الله علیها) را در مرتبه‌ی بالاتری از جایگاه «وَلَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُمَا» قرار می‌دهد و می‌نشانند. چه خیر است در این کلمات، نمی‌دانیم.

اگر فاطمه نبود

مرحوم علامه امینی (رِضْوَانُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ) مرد بزرگی بود و یادش واقعاً شوق‌انگیز است و اسم علامه‌ی امینی دل‌ها را جلا می‌دهد؛ چه اینکه گفته‌اند: «عِنْدَ ذِكْرِ الصَّالِحِينَ تَنْزِلُ رَحْمَةٌ»^۲ به هنگام یاد صالحان رحمت الهی نازل می‌شود». علت آن نیز سهم ایشان در تبیین مسئله‌ی ولایت است. یکی از استادان ما می‌گفت که در ایام بیماری ایشان که منجر به رحلتشان شد، به عیادت علامه رفته بودند. استاد ما که راجع به حدیث «لَوْلَا» سؤال داشته، با خود گفته بود: چه کسی بهتر از علامه‌ی امینی که راجع به مَصَدَّق و ریشه‌ی این حدیث از او بپرسیم؟ چون حدیث، حدیث تکان‌دهنده‌ای است. خداوند خطاب به پیامبر اکرم می‌فرماید: «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ

۱. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۹.

۲. دکتر محمد استعلامی، گزیده تذکرة الاولیاء، ص ۶.

لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ؛^۱ [ای پیامبر] اگر تو نبودی عالم را نمی آفریدم و اگر علی نبود تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود شما دو نفر را نمی آفریدم». ایشان می گفت: این پرسش را که طرح کردم، علامه در بستر خوابیده بود که گفت: مرا بلند کنید. با زحمت ایشان را به سمت قبله نشانند. گویا فرمودند که وسائل وضو یا تیمم برایم بیاورید. با چنین آدابی می خواستند درباره‌ی این موضوع صحبت کنند که ما متوجه شدیم با چه شخصیتی روبه‌رو هستیم. با آنکه در شرایط سختی بودند، حاضر نبودند با آن حالت درباره اهل بیت صحبت کند. ایشان شروع کردند درباره حَقَّانِیَّت، منابع و مَصادر این روایت صحبت کردند که با انقلاب روحی که برایشان پیدا شده بود، با اشک و حالات خاصی همراه شده بود. بعد علامه را به حالت قبلی‌شان برگرداندند.

عنوان این دعا اشتباه است

مبادا اشتباه کنی و چون اول این دعا نوشته «وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَأَبُوَيْهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ»، خودت را کنار بکشی و بگویی امام سَجَّاد (عَلَيْهِ السَّلَام) دعا کرده برای امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَام) و برای مادرشان، آن بانوی بزرگ و گرامی، جناب شهربانو که

۱. احمد رحمانی همدانی، فاطمة بهجة قلب المصطفى، ص ۹.

باعث شده ما خویشاوندی قومی و ملی هم با امام سجّاد (عَلَيْهِ السَّلَام) داشته باشیم. با این تفکر اشتباه، خودت را کنار بکشی و بگویی این دعا، در مقامات اولیاء است و این حرف‌هایی که حضرت اینجا زدند، به من ربطی پیدا نمی‌کند. این تصور اشتباه، با جمله بعد از صلوات حضرت تقویت می‌شود و خواننده برایش مسلّم می‌شود که این مربوط به ائمه است و خواسته‌اند ما هم از آن مطلع باشیم. مواظب باشیم دچار این اشتباه نشویم. عنوان این دعا حتماً غلط است. این دعای امام (عَلَيْهِ السَّلَام)، آموزشی است برای پیروانشان برای شناخت هرچه بهتر و بیشتر وظایفشان در قبال پدر و مادرشان.

هر انسانی دو پدر و مادر دارد

ضمناً این دعا یادآوری می‌کند که ماوراء همه‌ی پدر و مادرها، پدر و مادر دیگری است. حضرت آقای جوادی آملی می‌فرمود: انسان دو پدر و مادر دارد: پدر و مادری که او را از عالم پاک به عالم خاک می‌آورد، و پدر و مادری که در سیر صعودی و در سفرِ اَللّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى، او را از عالم خاک به عالم پاک می‌برد. دستت را می‌گیرد و از اینجا می‌برد به آنجایی که باید بررسی، و آن کسی نیست جز محمد و آل محمد (صَلَوَاتُ اللّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ). در این تعبیر چه باب جدیدی در نسبت بین انسان و امام (عَلَيْهِ



الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ) پیدا می‌شود؟ وقتی خودشان این باب را گشوده‌اند که: «أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا...» چه ارتباط قلبی، عاطفی و صمیمی فوق‌العاده‌ای پیدا می‌شود؟

خیلی شوق‌انگیز و شیرین است که انسان بتواند به حجت خدا بگوید: پدر. در زمان جنگ، رزمندگان شب شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) شور گرفته بودند و همین‌طور که به سینه می‌زدند، مادر مادر می‌گفتند. یکی از آدم‌های کج‌فهم به بنده گفت: حاج آقا، چرا می‌گذارید این بدعت‌ها گفته بشود؟! نشاندمش و گفتم: داداش! مثل اینکه خیلی از مرحله پرتی. اصلاً مادر همان است که اینها به او مادر می‌گویند. اگر کسان دیگری سهمی از مادری دارند، ذیل حقیقت وجود مقدس او است. اگر هم کسی در این عالم سهمی از مادری دارد، ذیل مقام شامخ حضرت او تعریف می‌شود. شما چه می‌گویید؟ مادر فقط همان است. این رزمندگان تعلق خاطر قلبی و ولایی به آن حضرت دارند. از این بالاتر و آن اینکه از جانشان گذشته و به میدان جنگ آمده‌اند. چه کسی از اینها سزاواتر است که بتواند به حضرت زهرا (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) مادر بگوید؟

البتّه سادات عظیمُ القدر ما در این انتساب سهم خاص خودشان را دارند؛ ولی این قضیه عام است. بر اساس روایت «أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» آن حضرات فراخوان داده و گفته‌اند که ما حاضریم پدر و مادر شما باشیم و شما را به فرزندی قبول کنیم. آیا شما



حاضرید فرزند ما باشید؟ البته این روایت اسرار و نکات خودش را دارد که در اینجا مجال توضیح و شرح آنها نیست.

احسان به والدین در قرآن کریم

این آیه خیلی تکان دهنده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛^۱ و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] «اوف» مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگو». در این آیه دو گزاره مطرح شده است: «أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» جز خدا را نپرستید که توحید محض است. بلافاصله می گوید: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»، اینجا می ایستد و موضوع قبلی را تشریح نمی کند؛ اما موضع بعدی را حسابی شرح می دهد: «إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا، وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا، رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوَّابِينَ



غَفُوراً؛^۱ پروردگار شما به آنچه در دل‌های خود دارید آگاه‌تر است. اگر شایسته باشید، قطعاً او آمرزنده توبه‌کنندگان است و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو: پروردگارا، آن دو را رحمت کن، چنان‌که مرا در خُردی پروردند. پروردگار شما به آنچه در دل‌های خود دارید، آگاه‌تر است. اگر شایسته باشید، قطعاً او آمرزنده توبه‌کنندگان است.»

تا وقت دارید ارتباطات خودتان را طبق این آیات اصلاح کنید. اگر در ارتباط با پدر و مادر خود اشتباهات، خطاها، کمی‌ها و کاستی‌هایی داشته‌اید، خداوند آنها را می‌بخشد. این یک بشارت بزرگ است.

این آیه فقط یک جمله نگفته، نفرموده خودتان را برای پدر و مادرتان بکشید و قربانی کنید. از این که بگذریم، خدای متعال همه‌چیز را اینجا مطرح کرده است.

خدای متعال را قسم می‌دهیم به حقِّ سیدِّ السَّاجِدین و به حقِّ دعای بیست و چهارم صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجَّادیه که ما را نسبت به جایگاه و شأن پدر و مادر، بیش از گذشته آگاه کند. به ما معرفت و توفیق بدهد حقوق عظیمی را که پدر و مادر بر عهده‌ی ما



دارند، ادا کنیم و ما را در انجام این حقوق از یاری خودش بهره‌مند کند. همچنین کمی‌ها، کاستی‌ها، غفلت‌ها و بی‌خبری‌های ما درباره‌ی پدر و مادرمان را به حقّ محمد و آل محمد و به حقّ امام سجّاد (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) بر ما ببخشد و پدر و مادر ما را نیز ببخشد و مشمول عفو و رحمت مغفرت خودش قرار بدهد.

هر روز بر عزّت، شوکت و عظمت نظام اسلامی و رهبر عزیزتر از جان ما بیفزاید که مهم‌ترین پشتوانه فکری و روحی، معنوی و مادی مقاومت است.

امام راحل عظیم الشان و شهدای عزیز ما که بنیان‌گذاران دوران باشکوه مقاومت در برابر استکبار هستند، از ما راضی‌کنند. ارواح مطهرشان را یاری‌گر ما و امت ما در مسیر خجسته پیش‌رو، در مسیر انتظار و در سلوک به سوی عصر ظهور قرار دهد و همه‌ی ما را از دعا و شفاعت و یاری آنها بهره‌مند کند؛ ان‌شاءالله.

